فرهیختگان

www.farheekhtegan.ir

دوره جدید
شماره ۱۴۳۹
شماره مسلسل ۲۱۷۷
دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۳
۷ شوال ۱۴۳۵
۴ آگوست ۲۰۱۴

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی
مدیرمسوول: احسان مازندرانی
سردبیر: مهران کرمی
نشانی: خیابان حافظ - بعد از پل دوم حافظ - روبه‌روی ساختمان بورس - ساختمان فرهیختگان - طبقه سوم
تحریریه: ۱۸۲- ۶۶۷۶۰۱۸۰ نمابر: ۶۶۷۶۰۵۰۱ - ۶۶۷۲۶۰۴۷

الو فرهیختگان: ۶۶۳۴۸۰۱۹
دفتر مدیرمسوول: ۶۶۳۴۸۰۱۶
سازمان آگهی‌ها: ۴۶-۶۶۳۴۸۰۴۵
پیامک روزنامه: ۱۰۰۰۰۱۳۸۸۲۳۰
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
توزیع: پیام رسان پیروز

امروز: غروب خورشید: ۲۰:۰۶ ■ اذان مغرب: ۲۰:۲۶ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۳ ■ فردا: اذان صبح: ۴:۳۹ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۵ ■ اذان ظهر: ۱۳:۱۰

یادداشت

وداع با مرد خوش اخلاق والیبال

مرتضی میثاقی

در اوج روزهـای خوش والیبال بود که خبری دردناک همه شیرینی‌ها و موفقیت‌های چند وقت اخیـر ورزش حالا دیگر محبوب ایـران را به کام طرفدارانش تلخ کرد.وقتی تیم ملی والیبال ایران بعد از درخشـش در مرحله گروهی لیگ جهانی خود را آماده شرکت در مرحله نهایی این رقابت‌ها می‌کرد انتشار خبری نگران‌کننده تیم ملی والیبال ایران را در شـوک فرو برد. حسین معدنی مربی خوش‌اخلاق تیم ملی والیبال ایران و دسـتیار اسلوبودان کواچ دچار عارضه‌ای عجیب از ناحیه کبد شده بود که این بیماری به پانکراس و ریه‌های او هم سرایت کرده بود. همین عامل، معدنی را از سـفر به فلورانس بازداشت وآقای خوش اخلاق والیبال ایران به جای شرکت در مرحله نهایی لیگ جهانی راهی بیمارستان شـد. کمتر کسی فکرش را می‌کرد که داستان این بیماری آنقدر جدی باشد و همگان منتظر شنیدن مرخص شدن مربی محجوب تیم ملی ایران بودند. اما تا زمان بازگشت تیم از ایتالیا و روزهای بعد از آن هم خبری از بهبودی مهندس والیبال ایران نبود. روزها به سـختی برای جامعه والیبال می‌گذشـت و سرانجام آن اتفاقی که نباید، افتاد و حسین آقای والیبال صبح روز جمعه دهم مرداد در جدال با مرگ تسلیم شد و چشم از جهان فرو بست و دنیای توپ و تور را در غم و اندوه فرو برد.کافی بود تا آن دسـته از علاقه‌مندان به ورزش که شناخت کمتری از کاپیتان، مربی و سرمربی سابق تیم ملی ایران داشتند، دیروز به خانه والیبال می‌آمدند تا در مراسـم بدرقـه معدنی خصوصیات اخلاقی او را از زبان نزدیکانش بهتر بشناسـند. فقط کافی بود تا از همه دوسـتان، همبازیان و شـاگردان معدنی یک خصوصیت بارز او را جویا می‌شـدید و بی‌گمـان همه آنها اخلاق خوب او را به‌عنوان بارزترین ویژگی معدنی

برمی‌گزیدند. باید به عقب برگردیم تا همه خصوصیات مثبت معدنی را در اخلاقش خلاصه نکنیم. بازیکن سـابق تیم ملی والیبال ایران که از اوایل دهه ۹۰ راهی این تیم شد مدت‌ها درنقش پاسور و طراح درخشید و حتی عنوان بهترین بازیکن آسیا را هم در سال ۲۰۰۲ از آن خود کرد. معدنی که سـابقه بازی در تیم‌های استقلال، بنیاد شهید، صدا و سیما، فتح، بانک کشاورزی، هما، دانشگاه آزاد اسلامی، آیدانه چالدران و پیکان تهران را در کارنامه داشت خیلی زود و در سال ۲۰۰۸ هدایت ملی‌پوشان را برای مدت دوسـال برعهده گرفت و طی این مدت قهرمانی دو دوره جام کنفدراسیون‌های آسیا ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ - نایب‌قهرمانی مردان آسیا ۲۰۰۹ و نایب قهرمانی بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ را به دست آورد. وقتی ولاسـکو سـرمربی تیم ملی ایران شد شـاید هر کس دیگری به جای معدنی با سابقه سرمربیگری در تیم ملی بود حاضر به پذیرش دستیاری در تیم نمی‌شـد اما معدنی عاشق یادگیری و پیشرفت بود و چه کسی بهتر از ولاسـکو برای این کار.شاید این از کم لطفی برخی از رسانه‌ها و کارشناسان بود که در موفقیت‌های تیم ملی ایران درلیگ جهانی ۲۰۱۴ هیـچ اسـمی از معدنی نیاوردند. وقتی تیم ملی هنوز جانشـینی برای ولاسکو پیدا نکرده بود این حسین معدنی بود که یک تنه بار آماده‌سازی ملی‌پوشان را تا ورود کواچ به دوش کشید. این از هنر او بود که بازیکنانی آماده را تحویل کواچ داد. اما همه هنر حسین‌آقا محدود به والیبال نبود. خط خوش معدنی یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های مهندس شیمی والیبال ایـران بود که از او یک چهره متمایز در عالم ورزش سـاخته بود. وقتی دیروز در خانه والیبال و در هنگام وداع جامعه والیبال با حسین معدنی ۴۳ سـاله، شـاگردان و همبازیانش آنچنان سـوزناک در فراق او اشک می‌ریختند فهمیدیم که جامعه ورزش ایران مرد بزرگی را از دست داده است. در روزهای اوج والیبال هیچ حریفی غیر از مرگ حسین معدنی در این چند سال نتوانسته بود ملی‌پوشان والیبال را اینچنین شکسته کند.

کیوسک

تعامل با نظریات ارتباطی

پنجـاه و یکمیـن شـماره مدیریت ارتباطات با گفت‌وگویی ویژه درحوزه ارتباطات منتشـر شـد. در ایـن گفت‌وگو مجید رضائیان، استاد روزنامه‌نگاری به برخی موضوعات مهم در فضای آکادمیـک و عملـی ارتباطات و دلایـل کـم تحرکـی ایـن حوزه پرداخته اسـت. رضائیان در ایـن گفت‌وگو بـه وضعیت نظریـات ارتباطـی و مسـاله نقـد این نظریه‌ها می‌پـردازد و معتقد است که باید با نظریات ارتباطی تعامل داشـت که این تعامل منتهی به نقد و چالش می‌شود. «چـرا باید برای پذیرش فناوری‌های نوین آمادگی داشـته باشـیم؟» عنوان سـرمقاله این شماره مجله مدیریت ارتباطات است که در آن به بخشی از آسـیب‌های شبکه‌های اجتماعی اشاره شده است. این مجله در بخش تحلیل ماه نیز به رویدادهای ورزشـی و آسیب‌های اجتماعی از نگاه رسانه‌ها و پژوهشگران علوم انسانی پرداخته است و طی مقاله‌ای با عنوان «میزبانی جام‌جهانی فقر و فحشـا» به گزارش‌های رسانه‌های جمعی در مورد روسـپیگری و سوءاستفاده از کودکان برزیلی به هنگام برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در این کشور نگاهی داشته است. بررسی نقش رسانه‌ها در جنگ‌های مختلف و اینکه چگونه خبر جهان را شکل می‌دهد، از دیگر مضامینی هستند که در این شماره مجله به چشم می‌خورند. گفت‌وگو با مرتضی موحد رحمانی، معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی با عنوان «استفاده از رسانه‌ها برای رونق گردشگری ایران همانند تیغ دولبه است» و گفت‌وگوی محمدحسن خازنی با دکتر داود زارعیان با عنوان «مدیریت افکار عمومی حرف اول را در روابط‌عمومی‌ها می‌زند» از دیگر گفت‌وگوهای این شماره ماهنامه است. در این شماره ماهنامه همچنین سـه پرونده با عناوین «معماری شهری؛ نشانه‌هایی برای ارتباطات»، «رسانه‌ای به نام اسباب‌بازی» و «نگاهی به انجمن‌های ارتباطات در آمریکا» منتشر شده است. در پرونده معماری شهری احسان رنجبر، اسـتادیار شهرسازی دانشـگاه تربیت مدرس در مورد استحکام ارتباطات اجتماعی به‌عنوان رسالت مهم طراحی شهری صحبت کرده و اسـماعیل شیعه، استاد گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت تهران نیز در گفت‌وگویی دیگر تهران را شهری با معضلات عدیده برای زندگی کودکان دانسـته است. نقش اسباب‌بازی در زندگی کودکان و تاثیر آن در معرفی سـبک زندگی و فرهنگ و جایگاه اسباب‌بازی در میان سایر رسانه‌های سرگرم‌کننده نیز برخی از مطالب پرونده دوم را شکل داده‌اند. پرونده سوم پنجاه و یکمین شماره مدیریت ارتباطات نیز شامل گفت‌وگو با پروفسور جیم پارکر، رئیس انجمن ارتباطات آمریکاست. این شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات در ۸۴ صفحه رنگی و با قیمت ۶ هزار تومان روی پیشخوان مطبوعات قرار گرفته است.

به تماشای بازی بزرگان

تیم‌های اروپایی این روزها حسابی سـرگرم آماده کـردن خـود برای رقابت‌هـای فصـل آتی هسـتند. بیشـتر آنها در اردوها و کمپ‌های خارجی به سـر می‌برند و اکثرشان هم اردوهای برون‌مرزی را انتخاب کرده‌انـد. امسـال همچـون ایران که بیشـتر باشـگاه‌های بزرگش به ترکیه سـفر می‌کنند، باشگاه‌های بـزرگ اروپایـی کشـور آمریـکا را انتخـاب کرده‌انـد. در همیـن چارچـوب یکشـنبه صبـح تیـم فوتبـال منچسـتریونایتد مقابـل رئال‌مادرید در میشـیگان آمریکا در قالـب رقابت‌هـای باشـگاهی «گینـس کاپ» بـه میـدان رفت و با نتیجه سـه بر یک سفیدپوشـان مادرید را شکست داد.

به‌رغـم اینکـه ایـن مسـابقات تدارکاتی اسـت ۱۰۹ هـزار و ۳۱۸ نفر برای تماشـای آن به استادیوم میشـیگان آمدنـد. نکتـه جالـب اینجاسـت کـه ایـن مسـابقه در کشـوری برگـزار شـد کـه به‌طور سـنتی هواداران فوتبال کمی دارد و سال‌هاست که مقامات آمریکایی تـلاش می‌کنند تـا مـردم را به این ورزش جهانـی جذب کننـد. حالا بـا ایـن بـازی دوسـتانه و آمـدن ایـن تعداد تماشـاگر به ورزشـگاه نه‌تنها رکورد بیشـترین تماشـاگر بـرای بـازی فوتبـال در آمریـکا شکسـته شـده بلکه این موضوع که آمریکایی‌ها کمی بیشتر از قبل به فوتبـال علاقه‌مند شـده‌اند هم باعث دلگرمی مسئولان آمریکایی شده است. بد نیست بدانید رکورد پیشین بیشـترین تماشاگر حاضر در ورزشـگاه بـرای بـازی فوتبال در آمریـکا مربـوط بـه بازی‌هـای المپیک ۱۹۸۴ می‌شد که ۱۰۱ هزار و ۷۹۹ نفـر بـرای بازی فرانسـه- برزیل به ورزشگاه آمده بودند.

آمـدن ایـن جمعیـت انبـوه بـه ورزشـگاه جـو بـازی دو ابرقدرت فوتبال باشگاهی جهان را دگرگون کرده و شور و حال خاصی را به بازی داده بـود. قیمـت بلیت‌هـای بازی از ۴۵ دلار تـا ۱۸۹ دلار بود و بیش از صد هـزار نفر حاضر شـدند این بلیت‌هـای گران‌قیمـت را بخرنـد تا تاریـخ را رقم بزننـد و بازی‌های بازیکنانـی همچـون ویـن رونی و گـرث بیـل را از نزدیـک ببیننـد. رکورد پیشـین بیشترین تماشاگر در بـازی دوسـتانه باشـگاهی در آمریکا به سـال ۲۰۰۹ برمی‌گردد؛ در ایـن بازی کـه میان بارسـلونا و ال‌ای گلکسی در ورزشگاه روز باول برگزار شـد، ۹۳ هزار و ۱۳۷ نفر به ورزشگاه آمدند.

و امـا در ایـن بازی، کریسـتیانو رونالدو بـه خاطر مصدومیتی که از ناحیـه کمر در جـام جهانی برایش پیش آمده بـود، از ابتدا در ترکیب رئال‌مادریـد قرار نگرفـت ولی در نیمـه دوم به زمین آمـد و هر بار که صفحه نمایش ورزشگاه تصویرش را نشـان می‌داد جمعیت یک‌صدا او را تشـویق می‌کردنـد. اشـلی یانگ، مهاجم شـیاطین سـرخ در دقیقـه۲۱ گل برتـری تیمـش را زد ولی ۶ دقیقـه بعـد گـرث بیل بـا ضربـه‌ای دیدنـی گل تسـاوی مادریدی‌ها را به ثمر رساند.

اندکی بعد یانگ دوباره گلزنی کرد و در ادامه خاویـر هرناندز با گلزنی در دقیقـه ۸۰ کار را بـرای مردان آنچلوتی تمام کرد. کارلو آنچلوتی، سرمربی رئال مادرید در کنفرانس مطبوعاتی پـس از بازی گفت: «جو ورزشـگاه فوق‌العـاده بـود چراکه امروزه تیم‌ها عـادت ندارند مقابل چنین تعداد زیادی از تماشـاگران بـازی کنند. مـا تمـام تلاش‌مان را کردیـم تا بـازی تماشـایی را ارائه دهیـم.» در پایان باید گفـت که با میزبانی آمریکا در جام کوپا آمریکا در سال ۲۰۱۶ و آمدن چنین حجم عظیمی از تماشـاگر به ورزشـگاه انتظار مـی‌رود که بازی‌های جذاب و پر تماشاگری را شاهد باشیم.

جویس در محاصره روزنامه‌نگاران

میـلان کوندرا در کتـاب «هویت» به حضور انسـان معاصر در دنیایی اشـاره می‌کند که همه قدم‌های او را ضبط می‌کند و حتی در فروشگاه‌های آن نیز دوربین فیلمبرداری نصب است. او می‌نویسد: «چگونه ممکن اسـت کسـی از دسـت نظارت همگانی رها شود و بی‌آنکه اثری از خود بر جای گذارد، ناپدید شود؟»

این شاید همان چیزی است که چندی پیش،«جی‌کی‌رولینگ»، نویسـنده هفت‌گانه «هری پاتر» آن را گـروگان بودن در محاصره پدیده پاپاراتزی دانست و شاید چیزی بیش از ۸۰ سال پیش جیمز جویس، خالق رمان «اولیس» از آن شکوه کرد. جویس در نامه‌ای به پسرش از رفتار روزنامه‌نگاران گله کرده و خود را در محاصره رسانه‌ها دانسته است.

ایـن رمان‌نویس ایرلندی در نامه‌ای که به پسـرش «جورجیو» نوشته است شـرایط خود پس از ازدواج با «نورا برناکل» در جولای سـال ۱۹۳۱ را دشـوار توصیـف کرده اسـت. او در این نوشـته از روزنامه‌نگاری گفته که حتی نیمه‌شب نیز بیرون خانه وی در لندن کشیک می‌داده است.

به گزارش ایسـنا به نقل از گاردین، این نامه به قلم رمان‌نویس «دوبلینی‌ها» برای اولین‌بار از سـوی کتابخانه ملی ایرلند به صورت دیجیتالی منتشـر شده است. جویس در نامه سـال ۱۹۳۱ خود از مزاحمت‌های روزنامه‌نگاران و کنجکاوی آزاردهنده‌شـان برای سـر درآوردن از جزئیات ازدواج و زندگی خصوصی خود نوشـته اسـت. سـمج‌ترین این افراد خبرنگار «ساندی اکسـپرس» بوده است که روز عروسـی جویس با نورا با دوز و کلک به خانه آنها راه یافته و با پیشنهادی، قصد اخاذی از آنها را داشته است.

عاشقانه‌های خواجه‌امیری در تبریز

احسـان خواجه‌امیری قرار اسـت روزهـای ۲۳ و ۲۴ مرداد در تبریز کنسـرتی اجرا کند که در آن قطعاتی از آلبوم «عاشـقانه‌ها» و آلبوم‌های قبلی خود را اجرا خواهد کرد.در این کنسرت ۱۵ قطعه اجرا می‌شـود و نام بعضی از قطعات؛ این حقم نیست، کجایی، لب تیغ، لحظه، خوشـبختی، آرزو، دریا و... اسـت. هومن نامداری رهبر ارکستر است و رضا کمایی تهیه‌کنندگی این کنسرت را برعهده دارد.

این خواننـده پاپ چندی پیش و همزمان با جام جهانی برزیل، قطعه «دروازه‌های دنیا» را به‌عنوان ترانه تیم ملی فوتبال برای جام جهانـی ۲۰۱۴ خواند که وضعیت پخش آن از تلویزیون با انتقاداتی از سوی این خواننده روبه‌رو شد. اگرچه ترانه او به‌عنوان ترانه رسمی تیم ملی ساخته و در مراسم رونمایی از آن نیز مسئولان بسیاری از جمله علی جنتی وزیر ارشاد، محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان، بازیکنـان تیم ملی فوتبال ایران، کارلوس کـی‌روش و عده دیگری از مقامات فرهنگی و کشـوری حضور داشـتند، اما آنگونه که باید از تلویزیون پخش نشـد. خواجه‌امیری در همـان دوران در صفحه شخصی خود در فیس بوک دلیل این مساله را ترانه‌سرای کار عنوان کرد. این در حالی اسـت که پیروز ارجمند، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشـاد که خود از میهمانان مراسـم رونمایی از این ترانه بود نیز در گفت‌وگو با یکی از رسـانه‌ها عنوان کرده بود: «برای تولید و ثبت سرود تیم ملی اقدامات قانونی انجام نشده و از نظر ما تولید آن غیرقانونی است. پیشنهادی و سفارشی در این‌باره به ما نشده و کار به صورت خصوصی تولید شـده است.» خواجه‌امیری این روزها نیز در حال ضبط آلبوم جدیدی اسـت که قرار است به‌زودی در تهران به صحنه برود.

حالا همه شهرها دانشجو دارند

حسین علیزاده که قرار است به‌زودی دور سوم کنسرت‌هایش را در شهرستان‌های ایران برگزار کند، در نشست خبری این کنسرت از دغدغه‌هایش در حوزه موسیقی حرف زده است. او در این نشست انتقادهایی نیز به میراث فرهنگی داشـته و گفته است: «معمولا در بسیاری از کشـورهای دنیا از مکان‌های تاریخی یا موزه‌ها استفاده بهینه می‌شود. آنها در واقع هیچ مکانی را بدون استفاده نمی‌گذارند. مثـلا در اروپا کارخانـه‌ای قدیمی وجود دارد که بخشـی از هویت تاریخی آنها محسوب می‌شود. برای همین به جای اینکه کارخانه را خراب کنند آن را بازسازی کرده و برای سالن کنسرت از آن استفاده می‌کنند.» علیزاده می‌گوید: «اما ما وقتی به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کنیم حسرت می‌خوریم که این‌قدر مکان زیبا داریم اما از آن چنین استفاده‌ای نمی‌شود در حالی که این محیط‌ها آن‌قدر جاذبه دارند که حس احترام و آرامش در انسان ایجاد می‌شود. حافظیه یکی از این مکان‌های تاریخی است.»

او معتقد است که این مکان‌ها باید در اختیار هنرمندان گذاشته شود چراکه ایران استعداد چنین برنامه‌هایی را دارد.

این هنرمند درباره تور جدید کنسرت‌هایش در شهرستان‌ها هم توضیح داد: در این سـال‌ها در همه شـهرها دانشگاه تاسیس شده و دانشـجویان در تمام شهرهای ایران هسـتند. این موضوع باعث می‌شود که بافت جمعیت عوض شود.

علیزاده همچنین گفت: در شهرهای کوچکی که امکانات زیادی ندارند و حتی سالن‌شـان کوچک است وقتی وارد سالن می‌شویم، حس قوی و توجه شنوندگان، سالن را برای ما در درجه چندم قرار می‌دهد. این حس عاطفی عمیق انگیزه خوبی برای من است.

عکس خانه

غزه در چشم دنیا

عکس: Gettyimage

عکس: EPA

خبرها و عکس‌های تکان‌دهنده حمله رژیم اشغالگر اسرائیل به غزه تمام رسـانه‌های اجتماعی دنیا را دربرگرفته و همین موضوع باعث شـده که بیش از همیشه توجه تمام مردم جهان به این واقعه معطوف شود. رژیم اشـغالگر آتش‌بس را زیر پا گذاشته و همچنان به کشتار ادامه می‌دهد و کودکان بی‌پناه غزه، مظلوم‌ترین قربانیان این فاجعه انسـانی به حساب می‌آیند. گاردین در وب‌سایت اینترنتی خود این دو عکس را در مجموعه عکس‌های منتخب این هفته منتشر کرده است.

کارتون خانه

طرح: امین منتظری

کهکشان راه کلیدی

کلام معصوم(ع)

امام باقر علیه‌السلام:
زنهار از افکنـدن کار امروز به فردا؛ زیرا این کار دریایی است که مردمان در آن غرق و نابود می‌شوند.

واگن مشاوره

احسان ابراهیمی

میز گرد سیاسی در تاکسی

امروز بـرای کار اداری باید می‌رفتم روی سطح زمین. «روی سطح زمین» ما، همـان «بیرون» بقیه اسـت. بقیه مردم می‌گوینـد «من می‌روم بیرون.» ولـی برای ما که محل کارمان در مترو و زیر زمین اسـت، کار اداری، به مثابه سفر به «سـطح زمین» و جهانی تازه اسـت. مردم اینجا، با مـردم زیر زمین خیلـی فرقی ندارند. تنهـا ویژگی زیر زمین منظم‌تر بودنش است. زیر سطح زمین وقتی مثلا محاسبه می‌کنید که ۱۴ دقیقه دیگر در فلان ایستگاه باشید، با مقداری اغماض به موقع می‌رسـید، ولی روی سـطح زمین برای هیچ‌چیز کوچک‌ترین تضمینی وجود ندارد. البته سطح زمین آفتاب هم دارد که در ایام گرم سال به مثابه کاتالیزور عمل می‌کند و باعث می‌شود مردم سریع‌تر به فعل و انفعال شیمیایی با یکدیگر برسند. این اسـت که در تابسـتان و ماه‌های گرم سـال، هر جا را نگاه می‌کنید دو نفر با هم درگیری فیزیکی و شیمیایی دارند. هرچه هوا گرم‌تر شـود، اعصاب مردم ضعیف‌تر شده و پیوندهای کووالانسی قوی‌تـری با اقـوام دیگران بـه وجود می‌آورند. به‌عنوان مثال اگر هر انسـان بی‌اعصـاب را یـک اتم کربـن در نظر بگیریم، می‌دانیم دو اتم کربن می‌توانند با چهار اتم هیدروژن پیوند کووالانسی تشکیل داده و اتیلن را به وجود بیاورند. اما خود بنده شاهد بودم که در ماه‌های تیر و مرداد که هوا گرم اسـت، یک اتم کربـن، به خاطر اینکـه اتم هیدروژنی بی‌هوا پریده جلوی ماشینش، یک تنه بـا آن اتم هیـدروژن و ۱۵ نفر دیگر از اقوامش پیوند کووالانسی برقرار می‌کند. کلا گرما و اعصاب و پیوند کووالانسـی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

داشـتم سوار تاکسـی می‌شدم که یکی از مسـافران فریاد زد: «بیـاااااااااا دوری کنیـم از هممممممم!» زهره‌ام ترکیـد، در را با سـرعت بـاز کردم و خـودم را پرت کردم روی زمین! راننده داد زد: «روانـی! دیوانـه‌ای؟!» گفتـم: «مُمُمسافرتون عصبانی بود ترسیدم.» گفت: «بابا مسـافر کدومـه؟ آهنگه.» عجیب بور شدم. همه مسافران به من می‌خندیدند. پیرمردی که جلو نشسته بود، گفـت: «آره می‌گفتـم. خدا بگم چیکارشـون نکنه، حق عائله‌مندی ما رو هم قطع کـردن.» راننده گفت: «ما که الهی شکر راننده‌ایم، کلا برامون حق و حقوق قائل نیستن.» پیرزن کناری‌ام گفـت: «بیا! اینم قطع کردن. کو پس؟ چرا ارزونی نمیشه مادر؟» گفتم: «خب مـادر جان دو روزه که نمی‌شـه. زمان می‌بره.» پیرمرد گفت: «همه‌شـون با همن.» گفتم: «اگه مجلس سال دیگه هم رأی بدیم شـاید اوضاع بهتر شه.» یکـی داد زد: «بیـااااا تنها بشـیم کم کمممممم!» دوباره رنگم پرید، راننده سریعا گفت: «چیزی نیست، آهنگه!» پیرزن گفت: «جوون! حرف ما پیرها رو گوش کنید. هرکی بیاد کاری نمی‌تونه بکنه.» پرسیدم: «چرا نتونه؟» پیرمرد گفـت: «نمـی‌ذارن.» پرسـیدم: «کی نمـی‌ذاره؟» گفـت: «همینـا دیگه.» گفتـم: «کدوما دقیقا؟» گفت: «پسـر مگـه بازپرسـی داری منو سـین‌جیم می‌کنـی؟ همین آمریـکا و انگلیس!» بعد از دوساعت بحث راجع به مجلس بعدی، پیرمرد و پیرزن هر کاری کردم وا ندادنـد، ولی راننده با قاطعیت فریاد زد: «برو بابا!» با تعجب گفتم: «درست صحبت کنید من فقط نظرم رو گفتم.» راننده با تعجب به سمت من برگشت و گفت: «داداش جسارت نکردم خدمت شـوما. با این بابایی بودم که دوساعته راهنما زده رفته روی اعصابم. اتفاقا من بایـد رأی بدم.» پرسـیدم: «جدی؟ به کی؟» گفت: «به این نماینده مجلسه. کوچک‌زاده! یکشـنبه‌ها رادیو مجلس گـوش می‌کنـم. خیلی شـجاعه، چه انتقـادی می‌کنه از دولت!» پرسـیدم: «شما طرفدار دولت قبلی؟» گفت: «من کلا طرفدار هیچ دولتی نیستم! طرفدار اونام که از دولت انتقاد می‌کنن.» گفتم: «خب انتقاد به کی باشه مهمه.» گفت: «مهم نی! مجلـس جای آدمای جیگر داره. هرکـی از دولت انتقاد کنه خیلی جیگر داره.» گفتم: «آقا شما دوتا لطف کن، اول اینکه سـر اون چهـارراه نگه دار پیاده می‌شـم، دوما هیچ وقت رای نده جان هرکی دوسـت داری.» بعد از این همه بحث ببین رسـیدیم به کجا! با خودم گفتم کاش مثل پسرک بغلی، آهنـگ گـوش می‌کـردم و الکی پای حرف‌شان نمی‌نشستم.